

مخاطبان را به سرعت به خود جلب کرد.

او در ادامه گفت: ما به یک برشی از بچه‌های کار پرداختیم که خیلی قابل لمس است. در شعر و ادبیات و داستان نویسی به این می‌گویند سهل و ممتنع، یعنی ورود به مفهوم یا موضوع آسان و قابل لمس که اجرایش سخت و ناشدنی است. چرا که نشان دادن آن بچه‌های کار در یک صحنه آسان در قالی آشنا و همیشگی این بار با مفاهیم عمیقی آسان از پشت پرده‌های عجیب و غریبی تلفیق شده است. چیزی که حتی در ساخت ما را به سختی‌های عجیبی دچار کرد و مادر طول ساخت «کن پامنار» با این قضیه بارها روبرو شدیم.

درویشی در خصوص واژه سیاه‌نمایی در فیلم‌سازی گفت: از بعضی مسئولین خواهش می‌کنم کاری نکنند که فیلم‌سازهای جوان از ترس این که نکنند سیاه‌نمایی شود، به معضلات و دغدغه‌های اجتماع ورود نکنند. معمولی‌ترین سیاه‌نمایی در بچه‌های کار، تعرضات جنسی است که من اتفاقاً اگر به این مسئله ورود می‌کردم به قول معروف این گل به خودی من بود. نه به خاطر ممیزی و سانسور، به این دلیل که من کشورم را دوست دارم. در واقع اگر فیلم به جشنواره‌های بین‌المللی می‌رفت و دیده می‌شد که بچه‌های کار ما تا این حد در شرایط سختی هستند، با این کار، کشورم را می‌کوبیدم. پس این برشی که من از بچه‌های کار نشان دادم، سیاه‌نمایی نیست، یک تلنگر است. تلنگر تا سیاه‌نمایی خیلی فاصله دارد. در واقع ما به این بخش ورود کردیم تا بتوانیم یک معضلی را حل کنیم. و ناگفته‌هایی را حداقل در این حد نشان دهیم.

امر به معروف، شرایط و قوانین خاصی دارد

او خاطر نشان کرد: خاطر هست زمانی که آقای رضا در میشیان فیلم «لانتوری» را ساخت، به او هم این ایرادات گرفته شد که چرا به مسئله اسیدپاشی ورود کرده و با این کارش سیاه‌نمایی کرده است. در حالی که از نظر من اگر چند «لانتوری» دیگر ساخته می‌شد؛ باعث می‌شد تا لااقل ارگان‌ها بیشتر به هوش باشند. حواسشان به این باشد که اتفاق اسیدپاشی در حال افزایش است و راهکاری اساسی برای آن پیدا کنند. اتفاقاً من معتقدم که باید فیلم‌های زیادی در مورد امر به معروف و نهی از منکر ساخته شود. اصلاً امر به معروف، شرایط و قوانین خاصی دارد. شما اگر بخواهید نکته تاثیر گذار هم بگویید، باید آن را نرم و جذاب کنید و در یک خفای کامل که آبروی فرد ریخته نشود، مسئله را به او گوشزد کنید. فکر می‌کنم این برمی‌گردد به ترس ما، ما از ترس اینکه اثرمان دچار شعار زدگی نشود یا سیاه‌نمایی نکنیم اصلاً به موضوعات مهم و چالش برانگیز ورود نمی‌کنیم.

دره، ملیت نمی‌شناسد

درویشی در ادامه با اشاره به دیگر بخش‌های «کن پامنار» گفت: برای قضیه کودک همسری در «کن پامنار» از دختر افغان استفاده کردم، برخلاف باور غلط برخی از دوستان، علت این انتخاب و استفاده نکردن از دختر ایرانی، ممیزی نبوده است. بلکه من با این انتخاب، قصد داشتم اتحاد را نشان دهم و بگویم که درد در هر کجای دنیا قابل شناسایی است. درد کشیدن ملیت، قومیت، رنگ، نژاد و کشور نمی‌شناسد، درد در است. همان طور که در داستان فیلم، پسرهای ایرانی و بچه‌های کار

ایرانی متحد می‌شوند تا یک مشکل از یک دختر افغان حل شود. این نشان‌دهنده این است که آن‌ها زمان درد، ملیت نمی‌شناسند. همان طور که وقتی بچه‌های کار همه دور هم جمع می‌شوند وقتی به جمع‌شان ورود کنید متوجه می‌شوید که هیچ کدام نمی‌گویند کدامشان ایرانی است یا افغان. آن‌ها فقط نام یکدیگر را صدا می‌زنند. مسئله ملیت برایشان مهم نیست. مهم این است که آن‌ها دردی مشترک دارند و کنار هم ایستاده‌اند. وقتی این موضوع برای آن‌ها اهمیت ندارد برای فیلم‌ساز چرا باید اهمیت داشته باشد؟ حالا اگر به جای آن یا به صورت موازی یک پسر کار ایرانی را نشان می‌دادم که به مشکل خورده و بچه‌های کار افغان را نشان می‌دادم که برای حل این مشکل تلاش می‌کنند؛ ممکن بود فیلم شعار زده شود چون ما در کشورمان تعداد بچه‌های کار ایرانی خیلی بیشتر از تعداد بچه‌های کار افغان است.

درویشی در مورد ساخت فیلم بعدی خود گفت: در فیلم سینمایی «ایجنٹ» که تولید آن از چند هفته آینده آغاز خواهد شد، ما به پشت پرده‌های فوتبال ورود می‌کنیم. من قبل از ساخت آن، به دلیل امکان این انتقاد که در فیلم، از ترس ممیزی به خیلی از بخش‌های فوتبال اشاره نشده، می‌خواهم بگویم که من خیلی از بخش‌های کثیف فوتبال را می‌دانم. فوتبال ما متأسفانه سیاهی زیاد دارد، اما ما در فیلم به کوچکترین آن ورود می‌کنیم و تنها برشی از یک صحنه ورزشی از فوتبال را به تصویر می‌کشیم. در این جا هم معتقدم که اگر بخواهیم همه آنچه که هست را نشان دهیم در کنار افشاگری، نوعی گل به خودی هم محسوب می‌شود. هر چند که می‌دانستم، با همین روش؛ یعنی پرده برانداختن از ناگفته‌ها در جشنواره‌های بین‌المللی جسور خوانده می‌شدم و فیلم جوایز بیشتری را دریافت کند. ولی من واقعا این را دوست ندارم و نشان دادن یک برش معمولی‌تر از فوتبال را ترجیح می‌دهم. از طرفی دکتر شریعتی می‌گوید: «اگر قرار به مُردن است سعی کن کشته شوی، نفله نشوی» من اگر الان بخواهم به همه قصه‌های فوتبال ورود کنم، نفله می‌شوم. چون الان اشکان درویشی ام، قد و قواره‌ام کوتاه‌تر از آن است که بخواهم پرده از رازهای مافیای فوتبال برفکنم. و متأسفانه در همین مسیر گنده‌تر از من‌ها، امثال عادل فردوسی پور همه خانه نشین شده‌اند. او افزود: من معتقدم که قبل از هر چیز باید این را سنجید که جوامع بین‌الملل از موضوع فیلم استفاده می‌کنند یا سوءاستفاده. احساس من این است که برخی افشاگری‌ها بیش از آنکه راهگشا باشند، تبدیل به بن بست می‌شوند و همان تعبیر گل به خودی را به خود می‌گیرند. چرا که وقتی هنرمند در اثرش صادقانه معضلات کشورش را نشان می‌دهد، مواجهه اثر با جهان شکل دیگری پیدا می‌کند، شکلی که هیچ نشان از کمک کردن برای درست شدن شرایط را با خود ندارد و تنها عاملی می‌شود برای اینکه فرهنگ و کشور در جهان به سخره و تحقیر گرفته شود. واقعیت این است که با نمایش معضلات کشور، آن‌ها کاری برای ما انجام نخواهند داد و فقط ما را می‌کوبند.

یعنی ممکن است باضعفی که من در فیلم خود از کشورم نشان

می‌دهم به من جایزه بدهند ولی این را در بوق و کرنا می‌کنند و می‌گویند ایران حقوق بشر را رعایت نمی‌کند. با این که معضلات کودکان کار در خیلی از کشورهای اروپایی خیلی عمیق‌تر و حتی فاجعه‌بارتر از کشورهای آسیایی است. همان طور که خیلی از این اتفاقات تلخی که در فوتبال ایران است، در کشورهای دیگر هم وجود دارد. حالا من چرا باید کشورم را تا این حد حقیر نشان دهم و کوچکش کنم؟ برای یک جایزه؟! **معضلاتی که با تلنگر حل نمی‌شوند با پتک هم حل نخواهند شد**

درویشی در ادامه گفت: ساخت یک سری موضوعات جذاب است اما حل شدن آن مهم است. مانند باند مافیای دستفروشان مترو که مدت‌ها پیش افشاگری شد. این قضیه نشان دادنش جذاب بود ولی آیا در آن مقطع زمانی حل شدنی بود؟ یا اصلاً اجازه داده می‌شد که در مورد آن محتوایی تولید شود؟ حرف من این است که خیلی از موضوعات پشت پرده فوتبال جذاب است اما حل شدنش مهم است نه صرفاً نشان دادنش. فرض بر اینکه من به همه آن اتفاقات هم ورود می‌کردم، اما بعد از آن چه اتفاقی خواهد افتاد؟ یک سری از این اتفاقات ممکن است باعث تلنگر باشد مثل پول گرفتن از خانواده‌های بچه‌ها بابت ورودشان به تیم‌های بالاتر این می‌تواند باعث تلنگر و پیدا کردن راه‌حلی برای این مسائل شود. اما یک سری قضایای خیلی بزرگ‌تر و شدیدتر در پشت پرده‌های فوتبال هست که یک کارگردان با نشان دادنش نمی‌تواند موجب تلنگر شود. معضلاتی که با تلنگر حل نمی‌شوند با پتک هم حل نخواهند شد. اشکان درویشی در پایان گفت: سعی من بر این است که به پشت‌پرده‌ها رجوع کنم. حتی در ذهنم هست که بعد از ساخت «ایجنٹ»، به پشت‌پرده‌های خیریه‌ها ورود کنم. به دلیل این که همسرم یک موسسه خیریه به نام «فرشته‌های بهشتی» دارد، گاهی ناخودآگاه درگیر یک سری اتفاقات می‌شوم و می‌بینم که خیریه‌ها هم پشت‌پرده‌های عجیب و غریبی دارند و دوست دارم به این قضیه هم ورود کنم. البته موضوع دیگری که برایم چالش برانگیز شده است، پشت پرده‌های سینما و خصوصاً تهیه‌کننده‌ها هستند که مدتی است بر این دغدغه برانگیز شده است.

